

هنر عشق ورزیدن

اریک فروم
مترجم: پوری سلطانی



۱۳۹۷

فهرست مطالب

هفت	بیشگفتار
۱	آیا عشق ورزیدن هنر است
۴	مراحل لازم برای فراگرفتن هر هنر چیست
۷	نظریه عشق
۷	عشق؛ پاسخی به مسئله وجود انسان
۳۳	عشق پدر و مادر و فرزند
۳۹	معشوقها
۴۰	عشق برادرانه
۴۲	عشق مادرانه
۴۵	عشق جنسی
۴۹	عشق به خود
۵۴	عشق به خدا
۷۱	عشق و احتیاط آن در جامعه معاصر غرب
۹۱	تعریف عشق
۱۱۵	سخنی درباره نویسنده

و با اینکه بسیار اندک و نادر است، اما در کتابهای قدیم و جدید، در مورد این موضوع، مطالبی درج شده است. در این کتاب، سعی شده است تا با بررسی دقیق و عمیق، به این موضوع پرداخته شود. در ادامه، به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

پیشگفتار

مطالعه این کتاب برای کسانی که دستورالعمل ساده‌ای برای هنر عشق‌ورزی می‌جویند، کاری یأس‌آور خواهد بود. برعکس، در این کتاب، نکات ساده خواهد شد که عشق احساسی نیست که هرکس، صرف‌نظر از مرحله بلوغ خود، به آسانی بدان گرفتار شود. این کتاب می‌خواهد خواننده را متقاعد سازد که تمام کوشش‌های او برای عشق‌ورزی در محکوم به شکست است مگر آنکه خود او با جد تمام برای تکامل تمامی شخصیت خویش بکوشد تا آنجا که به جهت‌بینی سازنده‌ای دست یابد. این کتاب می‌خواهد ثابت کند که اگر آدمی همسایه‌اش را دوست نداشته باشد و از فروتنی، باطنی، شهامت، ایمان و انضباط بی‌بهره باشد، از عشق فردی خرسند نخواهد شد. در فرهنگ‌هایی که این صفات نادرند، کسب استعداد مهرورزی نیز به نادر در حکم موفقیتی نادر خواهد بود. هرکس می‌تواند از خود سؤال کند که وقتی چند نفر آدم مهرورز در عمر خود دیده است. با وجود این، دشواری این کار پرزحمت دلیل آن نیست که ما از شناسایی مشکلات این راه و نیز آگاهی از شرایط وصول بدان دست برداریم. برای اجتناب از پیچیدگی‌های غیرلازم، سعی کرده‌ام که مسائل را تا آنجا که ممکن است، با زبانی غیرفنی مطرح کنم و نیز به همین دلیل، به آثار و مآخذ پیوسته عشق کمتر اشاره کرده‌ام و در این کار امساک ورزیده‌ام. اما برای مشکل دیگری نتوانسته‌ام جوابی کاملاً قانع‌کننده بیابم و آن

پرهیز از تکرار عقایدی است که در کتاب‌های قبلی‌ام آمده است. خوانندگانی که به خصوص با کتاب‌های گریز از آزادی،^۱ انسان برای خویشتن،^۲ و جامعه سالم^۳ آشنایی دارند، درخواهند یافت که در کتاب حاضر بسیاری از مطالب آثار قبلی تکرار شده است. باوجوداین، کتاب هنر عشق‌ورزیدن به هیچ وجه تلخیص مطالب کتاب‌های قبلی نیست. در این کتاب، اندیشه‌های بسیار، جز آنچه در کتاب‌های قبلی دیده‌اید، مطرح شده‌اند و چون همه مطالب بر محور یک موضوع، یعنی هنر عشق‌ورزیدن دور می‌زنند، طبیعتاً به مطالب قبلی نیز با دبدی نو نظر افکنده خواهد شد.

آیا عشق‌ورزیدن هنر است؟

عشق‌ورزیدن هنر است؟ اگر هنر باشد آیا به دانش و کوشش نیازمند است؟ آیا عشق احساسی مطبوع است که درک آن بستگی به بخت آدمی دارد؟ یعنی چیزی است که اگر بخت یاری کند، آدمی بدان «گرفتار» می‌شود؟ مباحث این کتاب کوچک مبتنی بر پرسش اول است؛ در صورتی که آری، چون شک، اکثر مردم به تعبیر دوم بیشتر معتقدند.

این طایفه معنی نیست که مردم عشق را مهم نمی‌انگارند؛ مردم تشنه عشقند. فیلم‌هایی که مردم درباره داستان‌های عاشقانه شاد یا غم‌انگیز می‌بینند، شمار است. مردم به صداها آواز مبتذل عاشقانه گوش می‌دهند؛ بوچیان، به ندرت کسی این اندیشه را به دل راه می‌دهد که عشق به آموختن نکته‌ها و چیزها نیاز دارد.

البسی این رویه عجیب مقدماتی چند دارد که هر یک به تنهایی یا همگی مستحکماً آن را تأیید می‌کنند. مشکل بسیاری از مردم در وهله نخست، این است که دوستانشان بدارند، نه اینکه خود دوست بدارند یا استعداد خود را داشته باشند. بدین ترتیب، مسئله مهم برای آنان این است که چنان دوستانشان بدارند و چگونه دوست‌داشتنی باشند. پس راه‌هایی چند بی‌گردد تا به این هدف برسند؛ از جمله می‌کوشند تا به اقتضای موقع اجتماعی‌شان، مردمانی موفق صاحب قدرت و ثروت باشند و این در مورد بیژن بیشتر صادق است. زنان بیشتر می‌کوشند تا با پرورش تن، جامه

1. *Escape from freedom*
2. *Man for Himself*
3. *The sane society*